

تحقق عدالت محوری در رسانه ملی



یکی از مهم‌ترین ماموریت‌های دوره تحول در سازمان صداوسیما، نگاه دقیق و عمیق به فعالیت‌ها و تولیدات فیلم و سریال در مراکز صداوسیماي استان‌هاست. استعدادهای درخشان و هنرمندان ذی‌قیمتی را در شهرستان‌ها، استان‌ها و دروستاهای کشورمان داریم که قادرند آثار بسیار خوبی را در تراز ملی تولید کنند تا از شبکه‌های تلویزیونی ملی و سراسری کشور پخش شود. طی چند سال اخیر از مدیریت جدید در رسانه ملی، شاهد تحول شگرف در صداوسیما، به‌ویژه در صداوسیماي مراکز استان‌ها بودیم و رئیس رسانه ملی با حمایت‌های خود از مدیران کل مراکز صداوسیما و همچنین پشتیبانی از هنرمندان استانی و بومی، گام‌های بلندی را در شناسایی و معرفی هنرمندان شهرستانی برداشت و همین امر و بها دادن به هنر، هنرمندان بومی و شهرستانی موجب شد که طی سال‌های اخیر مجموعه‌های تلویزیونی فاخری در مراکز صداوسیماي استان‌ها تولید و از شبکه‌های تلویزیونی سراسری و ملی پخش شود که این روال همچنان ادامه دارد. در واقع این حرکت عدالت‌محور در سازمان صداوسیما ثابت کرد که استعدادهایی در استان‌ها و شهرستان‌های کشور پهناور ایران است که پایستی دیده شوند و نگاه‌مان فقط نباید به پایتخت باشد و به همین منظور در واقع امروز شاهد یک انقلاب هنرمندانه در فضایی به گستردگی ایران هستیم تا آثار همه هنرمندان کشورمان در قاب تلویزیون رسانه ملی دیده شود. در همین راستا چندین مجموعه تلویزیونی در مراکز صداوسیماي استان‌ها در دست تولید است. برخی از مجموعه‌های تلویزیونی تولید شده در مراکز صداوسیما، از شبکه‌های تلویزیونی سراسری رسانه ملی پخش شده و برخی از آنها هم در حال پخش است که نوید آینده بسیار روشنی را در این خصوص می‌دهد. مجموعه «روز خون» از تولیدات مرکز صداوسیماي فارس که از شبکه یک سیما پخش شد و نیز مجموعه «سوجان» از صداوسیماي مرکز گیلان که در حال حاضر از شبکه یک سیما در حال پخش است و همچنین مجموعه‌های تلویزیونی «شیرعلی مردان خان»، «طاعون»، «خوانواده بیهودی» و ... در مراکز صداوسیماي استان‌ها در حال تولید است و نشان می‌دهد که در این دوره تحول، نگاه سازمان صداوسیما به تولیدات فاخر در استان‌های کشور نیز معطوف شده است. سال‌ها بود ساخت مجموعه‌های تلویزیونی و فیلم و مستند در صداوسیماي مرکز «پایتخت» تمرکز بیشتری داشت، در حالی که استان‌های کشور مملو از هنرمندان و صاحب‌نظران فرهنگی و هنری مطرح و بنامی هستند که تاکنون گمنام باقی مانده‌اند و اگر فضای کاری مناسب برای آنها فراهم شود و مورد حمایت و پشتیبانی قرار گیرند، قطعاً شاهد تولید و ساخت آثار فاخر هنری و فرهنگی از آنها خواهیم بود که می‌تواند از شبکه‌های تلویزیونی سراسری پخش شود. بنابراین با این حرکت انقلابی سازمان صداوسیما، دغدغه‌های همیشگی هنرمندان شهرستانی از بین رفت و این عزیزان با انگیزه بیشتری در مراکز صداوسیماي استان‌ها به کار و تلاش می‌پردازند. به‌رحال فرآیندی که هم‌اکنون در رسانه ملی شکل گرفته، می‌تواند معرف فرهنگ و هنر اصیل ایرانی در همه سطوح باشد. یک نگاه فراترانی به هنرمندان کشور به وجود آمده که در واقع همه ایران را دربرمی‌گیرد. امید است به‌زودی صداوسیماي مراکز استان‌ها هم همپای شبکه‌های تلویزیونی سراسری گام بردارند. به‌طور قطع با قدرتمند شدن صداوسیماي مراکز استان‌ها و افزایش کیفیت تولیدات آنها، رسانه ملی با اقتدار بیشتر در مسیر پیشرفت و تولید آثار فاخر تلویزیونی به‌صعود ادامه خواهد داد.

اکبر منائی، دپلور پیشکسوت در ویدئویی که به تازگی فرشید شکبیا، مدیر دوبلاژ تلویزیون منتشر کرده، درباره دوبله قسمت‌های پایانی سریال «پوآرو» گفت: پوآرو به‌خصوص این ۱۰ قسمت آخر سخت‌ترین کاری بود که من در تمام این ۶۰ سال و اندی انجام دادم، به این دلیل که در این ۱۰ قسمت این شخصیت خیلی تنها بود، رقیابش نبودند، رئیسش نبود، منشی‌اش نبود، دستیارانش نبودند و همه کارهایش را خودش انجام می‌داد.

روایت صدایشه پوآرو از فصل آخر

در گفت‌وگو با راحله امینیان، مجری سیما که عشق و ایثار را از نمای نزدیک دیده است، بررسی شد

روایت زنانه از مقاومت لبنان



راحله امینیان که امسال با اجرای برنامه سرگامی شبکه دو سیما همراه مخاطبان بود، بیشتر با اجرای برنامه‌های معارفی و خانواده‌محور در صداوسیما شناخته‌شده است. این مجری رادیو و تلویزیون در روزهای گذشته سفری پرمخاطره اما ارزشمند به بیروت را تجربه کرده و در هم‌نشینی با زنان حزب... و جبهه مقاومت، چهره زنانه و ظرفیتی از جنگ در غزه و لبنان را به تصویر کشیده است. او از حس و حالش در لبنان و روی دیگر زندگی در وضعیت جنگی گفت. البته سفر پرمجاری امینیان هنوز تمام نشده و مجدداً برای ادامه فعالیت‌های رسانه‌ای خود راهی لبنان خواهد شد. قطعاً حضور یک مجری بانو از رسانه ملی در جبهه مقاومت و خلق روایت‌هایی متفاوت و جزئی‌نگرانه‌تر از جنایات صهیونیست‌ها می‌تواند جلوه‌ای دیگر از استقامت و ایمان در محور مقاومت را نمایان کند. گفت‌وگویی با این مجری شده که در ادامه می‌خوانید.

✎ ماجرای سفرتان به لبنان چطور پیش آمد؟ آیا خودتان داوطلب این سفر شدید یا این سفر پیشنهاد و فرصتی بود که آن را غنیمت شمردید؟ از حس و حالتان پس از ورود به لبنان بگویید.

در چند ماه اخیر و در پی حوادثی که در لبنان رقم خورد، یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌ها و پرسش‌های من این بود که چرا رسانه به بحث زنان مقاومت نمی‌پردازد؟! براساس مشاهدات عینی خودم معتقدم زنان مقاومت در این حوادث، سربازان اصلی جبهه اراده بوده‌اند. درواقع همان قدر که نیروی نظامی و رزمی حزب... در میدان‌های جنگی ایستادی می‌کنند، باید سهم زنان را نیز در این استواری در نظر گرفت و به‌زعم من، حتی باید سهم بیشتری را برای زنان مقاومت در نظر بگیریم؛ آنها مانده‌اند تا هم روایتگر حوادث باشند هم پای ارزش‌ها، عقاید و باورها ایستادی کنند. با همه احترامی که برای سربازان نظامیان مقاومت قائلم، برای زنان جبهه‌ها مقاومت از جنگ، سهم بیشتری را کنار می‌گذارم. جای سؤال است که با وجود چنین ابعاد مهمی، چرا روایت اثرگذاری از حضور زنان در وضعیت جنگی لبنان و غزه ارائه نکرده‌ایم. با این نگاه، سفر به لبنان برای من توفیقی عظیم بود. از قبل پیشنهادهایی برای سفر به لبنان ازسوی پوشش ایران همدل و... داشتم اما به دلیل تعهدات کاری در تهران، امکان سفر به مناطق جنگی فراهم نمی‌شد و شاید خودم هم برای گرفتن تصمیم نهایی تعلل می‌کردم. زمانی که شبکه افق پیشنهاد این سفر را داد، حقیقتاً احساس تکلیف کردم و به‌نظرم آمد نباید بیش از این برای روایتگری صبر کنم. به آغاز سفر که نزدیک می‌شدم، حس ترس و خوشحالی را با هم تجربه می‌کردم. طبیعتاً نگران واکنش خانواده به تجربه چنین سفری بودم، همسرم اولین نفری بود که با او مشورت کردم. همسرم می‌دانست که چقدر دغدغه شرایط زنان در محور مقاومت را دارم و به همین دلیل، همان لحظه اول برای رفتن به این سفر تشویق‌م کرد. سپس، سایر اعضای خانواده را مطلع کردم. البته برخی آشنایان زمانی که از تصمیمم با خبر شدند، خواستند منصرف‌م کنند اما واقعاً برای رفتن جدی بودم و عقل و قلبم باهم برای این سفر همراهی‌ام کردند.

✎ در تمام سال‌هایی که خبرنگاران ایرانی، اخبار جنگ در غزه و لبنان را به ایران مخابره کرده‌اند، شاید نخستین بار است که یکی از بانوان فعال در رسانه ملی برای روایت‌گری این جنگ راهی جبهه مقاومت شده است. فکر می‌کنید وجه تمایز روایت شما با سایر روایت‌ها چیست؟

منائی بیان کرد: پوآرو نقشی است که خیلی حالات درونی دارد؛ رفتار و حالات مخصوص در راه رفتن، حرف زدن و خوابیدن دارد و کاملاً شخصیت متفاوتی است؛ به‌ویژه پارت آخر کار که به اصطلاح در حال مرگ است و البته نمی‌میرد اما گرفتاری دارد و این برای من خیلی سخت بود و صدای من گرفته به این دلیل که حرف‌های زیادی می‌زند، حرف‌های عجیب و غریب با معنای خاص و هر جمله‌ای که می‌گوید معنای خاصی دارد. پوآرو در ذات و خون

در آن فضا ترس را بی‌معنا می‌دانستیم، چرا که می‌دیدیم مردم این کشور تا پای جان ایستاده‌اند و سال‌هاست در جنگ زندگی کرده‌اند. این‌که در بین چنین افرادی قرار بگیری و بترسی، احساس خوبی نبود و اگر می‌ترسیدم حس می‌کردم برای تعالی و تربیت خودم کم‌وقت گذاشتم و این احساس و ندای درونی اجازه نمی‌داد که بترسم.

✎ فکر می‌کنید تجربه حضور در لبنان و اوضاع جنگی در فعالیت‌های رسانه‌ای شما در آینده اثرگذار باشد؟ چه الگوها و ره‌آورد‌هایی از این سفر به دست‌آوردید؟

من معتقدم انسان‌ها برای اثرگذاری باید از خودشان شروع کنند. از تجربه‌های دیداری و شنیداری در لبنان ابتدا در زندگی شخصی خودم استفاده خواهم کرد تا در برابر سختی‌ها مقاوم‌تر باشم. همچنین دوست دارم اراده جدی و صبوری زنان جبهه مقاومت را به دخترم منتقل کنم. اگر توانستم در زندگی شخصی مؤثر باشم، پس از آن امیدوارم در قالب فعالیت‌های رسانه‌ای، با انتقال تجربیات حضور در فضای جنگی غزه و لبنان، بر دیگران، حتی اندکی اثرگذار باشم. تمام تلاشم این است که آنچه را دیده‌ام، در زندگی شخصی جاری کنم و اگر در بعد فردی موفق بودم، شاید بتوانم در ابعاد بزرگ‌تر هم مؤثر واقع شوم.

✎ از حس و حال مردم لبنان پس از شهادت سید حسن نصرالله...

سید حسن نصرالله... بگویید. آیا با گذر از شهادت وی،

درک نهایت صبر و استقامت

امینیان در پایان این گفت‌وگو بیان کرد: در حقیقت با این‌که زنان مقاومت در اوج صلابت و ایستادگی‌اند، نام شهید سید حسن نصرالله... هنوز آنها را بی‌تابی می‌کند. این بی‌تابی البته دو بعد دارد: بعد نخست این‌که، رهبر محبوب خودشان در حزب... را از دست داده‌اند و از این منظر عزادارند اما در بعد دیگر معتقدند سید حسن نصرالله... باید شهید می‌شد و جز شهادت نباید سرنوشت دیگری پیدا می‌کرد و از این بابت آرامش می‌گیرند. زنان حزب... می‌دانند در مواجهه با

من رفته، حالاتش را می‌دانم. فرصتی هم برای تمرین نداشتم. جاهایی گیر می‌کردم که آکسان‌های مخصوص خودش را داشت و مدیر دوبلاژ کمک می‌کرد. منائی بایادی از عطا...ا... کاملی، گفت: یاد می‌کنم از عطاء...ا... کاملی که ایشان من را برای شخصیت پوآرو انتخاب کردند و معتقد بودند تنها کسی هستم که می‌توانم این نقش را دربیاروم. ممنون که دوباره این نقش را به من دادید. امیدوارم موردپسند مخاطبان قرار بگیرد.

همچنان روحیه مقاومت در جامعه لبنان جریان داشت؟

در گفت‌وگوهایی که با زنان جبهه مقاومت داشتم، جز اراده و صبر چیزی ندیدم. زنان جبهه مقاومت با یک‌دیگر نقاط اشتراک دارند. یا همسر شهیدند، یا مادر شهید، یا خواهر و یا دختر شهید! حتی برخی زنان در جبهه مقاومت همزمان پدر، برادر، همسر و پسرشان را در جنگ از دست داده‌اند. در این فضای غم‌انگیز، استقامت و صبر این زنان شگفت‌انگیز است. زنان مقاومت آن قدر باایمان‌اند که هیچ‌کدام از سختی‌ها و مصیبت‌ها ذره‌ای آنها را از باورشان دور نکرده است.

قلبشان به شدت شکسته و پر از درد است اما به این نتیجه رسیده‌اند که با صبوری و عزت‌نفس نباید سر خم کنند و حتی حاضر نیستند از ناراحتی‌های خود چیزی بگویند. وقتی از این زنان درخصوص از دست دادن خانه و کاشانه‌شان می‌پرسدم، در برخی موارد ناراحت و عصبانی می‌شدند و می‌گفتند اصلاً چرا این سؤال را می‌پرسی؟! سختی چه معنایی دارد؟! ما باید برای آرمان‌های بزرگ و پیروزی نهایی، این مراحل را طی کنیم و گله‌ای هم نداریم. نمی‌گفتند باید سختی‌ها را تحمل کنیم، بلکه می‌گفتند این مراحل را باید بگذرانیم.

زنان حزب... معتقدند عبور از این مراحل، لازمه آمادگی برای اتفاق عظیم‌تر یعنی پیروزی قطعی است. با این‌که زنان جبهه مقاومت را سرشاز یقین، باور و اراده دیدم، در یک مساله همه بی‌تاب بودند: شهادت سید حسن نصرالله... در واقع شهادت این رهبر بزرگ بین من و زنان مقاومت اسم رمز شده بود و هرگاه اسم شهید می‌آمد، باهم گریه می‌کردیم و زنان با زبان عربی برای شهید نصرالله عزاداری و مویه می‌کردند و من هم با دیدن این حس و حال بی‌تاب می‌شدم و گریه‌ام می‌گرفت.

رقابت ۲۲ مجموعه مستند در جشنواره تلویزیونی

پس از بررسی‌های هیات داوران هشتمین جشنواره تلویزیونی مستند، مجموعه مستندهای راه‌یافته به بخش مسابقه معرفی شدند. بر این اساس، ۲۲ مجموعه از فیلمسازان مستند کشور در این بخش به رقابت



با یکدیگر می‌پردازند.

«مجموعه مستند»، یکی از بخش‌های اصلی هشتمین جشنواره تلویزیونی مستند است که امسال با استقبال خوب فیلمسازان مستند کشور همراه شد. پس از بررسی‌های هیات داوران، ۲۲ مجموعه مستند به بخش مسابقه جشنواره تلویزیونی مستند راه‌یافتند. براساس این گزارش، برگزیدگان این بخش در مراسم اختتامیه جشنواره تلویزیونی مستند که به‌زودی برگزار می‌شود، معرفی خواهند شد. بخش دیگری که هنوز راه‌یافته‌های آن مشخص نشده‌اند، بخش مستندنگاری است که چند سالی است به این جشنواره اضافه شده است.



متن کامل

چسب زخم رادیو صابرای قطع درختان هیرکانی



برنامه «چسب زخم» ر رادیو صبا به بررسی موضوع مهم و بحرانی قطع درختان هیرکانی می‌پردازد. این برنامه با نگاهی طنز به نقد مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه می‌پردازد و به صورت طنز، موضوعات مختلفی از جمله چالش‌های روزمره و رفتارهای اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهد. روز دوشنبه ۱۹ آذر، برنامه چسب زخم به یکی از نگرانی‌های فعالان محیط‌زیست می‌پردازد. مصوبه اخیر درباره قطع درختان هیرکانی و تأثیرات آن بر مافیای چوب به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است. سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور مجوز برداشت درختان خشک و خطرناک را صادر کرده که این اقدام به نظر می‌رسد بیشتر به نفع مافیای چوب باشد و نگرانی‌های زیادی را در میان کارشناسان و فعالان محیط‌زیست ایجاد کرده است. جمع‌آوری امضاها و نامه‌نگاری‌های متعدد از سوی کارشناسان و فعالان محیط‌زیست به منظور جلوگیری از این مصوبه، از مهم‌ترین اقدامات آنها بوده است. رادیو صبا با زبان طنز در برنامه «چسب زخم» به نقد این مصوبه می‌پردازد. این برنامه از شنبه تا چهارشنبه ساعت ۱۸:۳۰ به تهیه‌کنندگی امیر بیشه و با اجرای علی زمانی پخش می‌شود.

تصویربرداری «دشتستان» ادامه دارد

سریال «دشتستان» در ژانر طنز و فانتری در مرحله تصویربرداری است. سریال دشتستان به کارگردانی امیر بشیری با فضایی طنز، اتفاقات یک خوابگاه دانشجویی پسرانه را روایت می‌کند. این مجموعه نمایشی در گروه تولیدات طنز مرکز سیما فیلم ساخته می‌شود و به موضوع جوانان و تفاوت نسلی آنها می‌پردازد. دشتستان به تهیه‌کنندگی آرمان زرین‌کوب و نویسندگی محمد نقایی در ۳۰ قسمت در حال تولید است. وحید آقاپور، سیامک صفری، سرویس همتی، مهسا طهماسبی، حدیث میرامینی و مجتبی رجبی از جمله بازیگران این مجموعه تلویزیونی هستند.



تصاویر

